



تاریخ

فدک

جعفر انواری

مقدمه

تاریخ اسلام فرازهای گوناگونی را به خود دیده است که بررسی دقیق آنها، تحقیق و تحلیل تاریخی بیشتری را می‌طلبد. مسئله تاریخی فدک از این گونه مباحث است، که در این مقاله ابعاد گوناگون آن مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

ضرورت طرح این موضوع

ممکن است شماری چنین تصور کنند که پس از گذشت ۱۴ قرن از این موضوع، چه ضرورتی طرح این مسئله را ایجاد می‌کند، و اصولاً طرح این گونه موضوعات چه سودی خواهد داشت؟ در اینجا از این نکته نباید غافل شد که بحث در مورد این موضوع علاوه بر روشن شدن یک بحث مهم تاریخی، از جنبه عقیدتی نیز می‌تواند راهگشا باشد، زیرا:

اولاً، با اثبات اینکه فدک حق مسلم حضرت فاطمه(س) باشد فضیلت بزرگی برای ایشان ثابت می‌شود، زیرا عنایت خداوند نسبت به حضرتش با فرمان: «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» و نزدیک بودن به پیامبر(ص) با عنوان: «ذَا الْقُرْبَىٰ»، مورد توجیه و عنایت قرار گرفته است.

ثانیاً، اثبات حقیقت آن حضرت در مورد فدک، می‌تواند یک سند زنده تاریخی برای اثبات حقیقت مکتب تشیع قرار بگیرد. طرح این مسائل به صورت منطقی و در چارچوب استدلال با استفاده از مدارک معتبر اهل سنت و به دور از هرگونه تعبیر تند و ناهنجار، در روشن شدن حقیقت و پاسداری

از سرزهای عقیده و مکتب نقش مؤثری ایفا خواهد کرد، و روزنه تحقیق بیشتر را به روی محققان و پژوهشگران منصف می‌گشاید.

موقعیت فدک

فدک یکی از دهکده‌های آباد نزدیک خیبر بود. هنگامی که در سال ۷۰ هـ. ق قلعه‌های خیبر به دست مسلمانان گشوده شد و قدرت مرکزی یهود درهم شکست، ساکنان فدک با تسلیم خود نیمی از آن سرزمین را به پیامبر اسلام (ص) واگذار کردند. با توجه به آیه ۶ سوره حشر، رسول گرامی (ص) صاحب‌فی‌این سرزمین شده است. از این رو، آن حضرت مجاز بود که آنجا را برای خود بردارد یا به یکی از مصارفی که در آیه ۷ سوره حشر آمده است برسانند.

قرآن در این باره می‌فرماید: «وما افاء الله علی رسوله منهُم فما اوجفتم علیهِ من خیل ولا رکاب...» (آنچه را که خداوند به رسولش از آنها (یهود) بازگرداند، چیزی است که شما برای تحصیل آن نه اسبی تاختیدو نه شتری)، این آیه شریفه خود دلیل بر این است که در مواردی که برای به دست آوردن غنیمت هیچ‌گونه جنگی رخ نداده باشد، آنچه به دست آید به طور کامل در اختیار پیامبر (ص) قرار خواهد گرفت. طبق روایتی که در کتاب صحیح مسلم نقل شده است، عمر بن خطاب این چنین اظهار داشت: «کانت اموال بنی النضیر معا افاء الله علی رسوله مما لم یوجف علیه المسلمون یخبل ولا رکاب فکانت للنبی (ص) خاصة...» (اموال بنی نضیر چون بدون جنگ به دست آمد، جزء فی‌به شمار می‌رود و مخصوص پیامبر (ص) است).

پیامبر (ص) هم طبق دستور الهی: «وات ذالقرنی حقه» (حق نزدیکان را ادا کن)، این زمین را به حضرت زهر (س) بخشیدند.

جلال‌الدین سیوطی در تفسیر این آیه، از ابی سعید خدری و ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر اسلام (ص) طبق دستور خداوند، فدک را به حضرت زهر (س) واگذار کردند: «عن ابی سعید الخدری - رضی الله عنه - قال لما نزلت هذه الآية: «وات ذالقرنی حقه...» دعا رسول الله (ص) فاطمة فاعطاها فدک، عن ابن عباس - رضی الله عنه - قال: لما نزلت: «وات ذالقرنی حقه»، اقطع رسول الله (ص) فاطمة فدک...»^۲

تنها ایرادی که از سوی برخی مفسران اهل سنت متوجه استدلال به این آیه شده، مکی بودن سوره اسراء است؛ با اینکه موضوع فدک مربوط به مدینه می‌باشد. علامه طباطبایی در پاسخ به این ایراد آورده است: مفاد این آیه و آیات قبل از آن، شباهت زیادی به آیات نازل شده در مدینه دارد. بنابراین، نمی‌توان برای اثبات مکی بودن آنها، به یک روایت یا اجماع منقول استناد کرد.^۳

به گفته ابو عبدالله زنجانی، سوره اسراء مکی است، جز آیات ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۵۷ و ۷۳ تا ۸۰.^۴ بعضی از مفسران در



بررسی این ایراد گفته‌اند: مفهوم آیه یک مفهوم جامعی است، که هم در مکه می‌بایست به آن عمل شود و هم در مدینه... تنها چیزی در اینجا باقی می‌ماند، جمله: «فلما نزلت هذه الآية» در روایت ابوسعید خدری است، که مظاهرش این است که اعطای فدک بعد از نزول آیه بوده است. ولی اگر ما را در اینجا به معنی علت بگیریم که به معنی زمان خاص، این مشکل نیز حل می‌شود مفهوم روایت این خواهد بود که پیامبر (ص) به خاطر این دستور الهی، فدک را به فاطمه (س) عطا کرد. به علاوه، گاه آیاتی از قرآن دویار نازل شده است.^۵

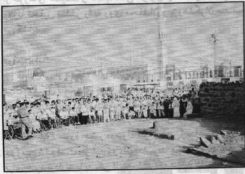
اصولاً، نزول سوره‌ای در مکه یا مدینه، دلیل بر آن نیست که تمام آیات آن سوره مکی یا مدنی باشد، زیرا در اکثر سوره‌های قرآن آیاتی مورد استثنا قرار گرفته‌اند.

پیامبر اکرم (ص) فدک را به حضرت زهر (س) واگذارند، ولی پس از رحلت آن حضرت (ص) این سرزمین توسط ابوبکر مصادره شد، و حضرت فاطمه (س) رسماً خواستار استیضاد آن گردید. بلاذری از مورخان اهل سنت می‌گوید: «قالت فاطمة (س) لابی بکر ان رسول الله (ص) جعل لی فدک فاعطنی ایاها...»^۶

توجه مصادره فدک

ابوبکر برای توجیه کار خود، این حدیث را از پیامبر اکرم (ص) نقل کرد: «ما پیامبران از خود اثری نمی‌گذاریم. آنچه بگذاریم، صدقه است.»

قل از نقد و بررسی این حدیث، توجه به این نکته ضروری



است که غیر از فدک نیز املاک دیگری از پیامبر (ص) به ارث رسیده بود که مصادره شد.^۸ بدون شک، فدک به چند دلیل ملک خالص پیامبر (ص) بوده است:

۱. آیه ۶ سوره حشر
۲. اعتراف خود ابوبکر، زیرا که به حدیث عدم ارث تسک کرد. اگر آنجا را ملک پیامبر (ص) نمی دانست، دلیلی نداشت که این حدیث را پیش بکشد.
۳. ابوبکر از حضرت زهر (س) شاهد و گواه طلب کرد. این خود دلیل دیگری است که آنجا را ملک پیامبر (ص) می دانست، زیرا همه (با ارث) فقط در صورت مالک بودن امکان پذیر است (لا هبة الا فی ملک)... با توجه به اینکه فدک ملک خالص پیامبر (ص) بود پس مسئله هبه در کار است نه ارث، زیرا ارث اختصاصی به حضرت زهر (س) نداشت. نتیجه اینکه حضرت زهر (س) ۲ نوع ادعا داشت:

۱. فدک به عنوان هبه و بخشش

۲. ارث از اموال و املاک پیامبر (ص) غیر از فدک

بعید است بگویم حضرت در مرتبه اول ادعای نحلّه و هبه داشت، و سپس ادعای ارث کرده باشد.^۹ در نقل گفتار بلاذری نیز چنین آمد که حضرت زهر (س) از ابوبکر خواستار استرداد فدک شد، و هیچ گونه سخنی از ارث به میان نیاورد.

نقد و بررسی حدیث مزبور

از جهات مختلفی این حدیث نقد و بررسی شده است که اهم آنها بیان می شود:

این حدیث با متن قرآن ناسازگار است. قرآن می فرماید: «و ورث سلیمان داود... حضرت زهر (س) در احتجاج خود در مقابل ابوبکر، این نکته را مورد توجه قرار می دهد: «یا بن ابی قحافه انی کتاب الله ان ترث اباک ولا ترث ابی لقد جئت شیئاً فریاً افعلی عمدا ترکتم کتاب الله و نذرتموه وراء ظهورکم اذ یقول: «وورث سلیمان داود...» (ای پسر ابوقحافه! آیا در کتاب خدا این چنین آمده است که تو از پدرت ارث ببری، ولی من از پدرم ارث نبرم. همانا چیز عجیبی را آوردی. آیا عمداً کتاب خدا را فراموش کردید و پشت سر افکنده اید، آنجا که می فرماید: «سلیمان از داود ارث برده».

برخی از عالمان اهل سنت در توجیه صحت این حدیث، مصداق ارث در آیه شریفه را غیر از مال و ثروت دانسته و آن را منحصر در نبوت کرده اند. ولی این گفتار قابل قبول نیست، زیرا:

۱. لفظ ارث طبق بیان مرحوم سید مرتضی (ره)، در لغت و

شریعت در موردی به کار می رود که قابل نقل و انتقال باشد. از این رو، به کار رفتن آن در غیر این مورد، نیاز به قرینه و شاهد دارد. همچنین، نبوت هم با ارث قابل انتقال نیست، بلکه منصب الهی است که از سوی خداوند به افراد برگزیده داده می شود.

ثانیاً، طبق آیه شریفه: «فهنماها سلیمان و کلا اتینا حکما و علما»^{۱۰} (ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم و به هر یک از آنان (داود و سلیمان) داوری و علم فراوانی دادیم). حضرت سلیمان (ع) در زمان حضرت داود (ع) دارای مقام نبوت بوده، نه اینکه آن را به ارث برده باشد. فخر رازی می گوید: راه آنکه تفهیم، همان وحی بود.^{۱۱} آلکوسی بغدادی می گوید: هر اجتهادی بر پایه گمان استوار است، و در اینجا از لفظ «حکما و علما» به دست می آید که اجتهادی در کار نبود.^{۱۲}

۲. تنها راوی این حدیث ابوبکر است، و دیگران این حدیث را از قول او نقل می کنند. سیوطی این حدیث را در شمار احادیثی می آورد که راوی آن احادیث فقط شخص ابوبکر بوده است.^{۱۳} ابن ابی الحدید می گوید: فقها در بحث اینکه خبر واحد صحابی مورد پذیرش است، به این موضوع استناد کرده اند.^{۱۴}

۳. در روایت دیگر آمده است که ابوبکر تصمیم گرفت فدک را به حضرت فاطمه (س) بازگرداند، ولی عمر مانع شد. حلبی در سیره خود نقل می کند: «وفی کلام سبط ابن الجوزی انه [ابوبکر] کتب لها [فاطمه (س)] فدک و دخل علیه عمر فقال ماهذا فقال: کتاب کتبه لفاطمه بمراثتها من ابیها. فقال: ماذا تنفق علی المسلمین و قد حاربتک العرب کما تری ثم اخذ عمر الکتاب فشق».^{۱۵}

چگونه ممکن است چنین حدیثی از پیامبر (ص) وجود داشته باشد، و ابوبکر به خود جرئت دهد که با آن مخالفت ورزد؟ و چگونه عمر در اعتراض خود موضوع نیاز اقتصادی را مطرح می کند، و هیچ سخنی از این حدیث به میان نمی آورد؟

۴. اگر این حدیث صحیح بود، می بایست خلیفه منازل

شرح نهج البلاغة

لابن ابی الحدید

تتمیه
مجموعه تالیفات ابن ابی الحدید

المطبعة المأثورة

دار الفکر للطباعة والنشر
مبیس البیانی، بیابین و شیرکوه

پشتوانه های حکومتهاست. از این رو، موضوع محاصره اقتصادی برای مبارزه با یک کشور یا جمعیت به عنوان یک حربه مطرح است، که نمونه آن رادر محاصره اقتصادی شعب ابی طالب شاهد بودیم.

۳. انگیزه سیاسی

اگر آنان حاضر می شدند ادعای حضرت زهرا(س) را در مورد فدک بپذیرند، راهی باز می شد که اصل موضوع خلافت نیز مطرح گردد. ابن ابی الحدید می گوید: از استناد علی بن قسارقی که در بغداد منصب تدریس داشت، پرسیدم: آیا فاطمه(س) در گفتار خود نسبت به فدک راستگو بود؟ وی در پاسخ گفت: آری.

گفتم: پس چرا ابوبکر فدک را به او واگذار نکرد؟ وی با تبسم، کلام لطیفی را به زبان آورد که: اگر این سخن فاطمه(س) مورد تصدیق قرار می گرفت، فردا به سراغش می آمد و ادعای خلافت حضرت علی(ع) را مطرح می نمود، و خلیفه دیگر عدوی برای رد این ادعا نداشت.^{۲۰}

نقد و بررسی مصادره فدک

۱. اگر واقعاً حضرت زهرا(س) در فدک حتی نداشت، می بایست با عتابی که پیامبر اسلام(ص) نسبت به فاطمه زهرا(س) داشتند، این مطلب را به ایشان خاطر نشان می ساختند تا مبادا دخت بزرگوارشان ندانسته موجب اختلاف میان مسلمانان شود، زیرا حضرت فاطمه(س) با در اختیار داشتن فدک مستقیماً مورد این حکم قرار داشت. لذا، چگونه ابوبکر از این حکم مطلع شد، ولی حضرت زهرا(س) و همسران پیامبر که عثمان را مأمور مطالبه میراث خود کردند،^{۲۱} از این حکم بی خبر بودند. حضرت زهرا(س) رسماً از خلیفه خواستار استرداد میراث خود گردید و چون با پاسخ منفی خلیفه مواجه شد، تا آخر عمر خود با او سخن نگفت. در کتب صحاح اهل سنت این چنین نقل شده: «عن عائشة ان فاطمة(س) بنت النبی(ص) ارسلت الی ابی بکر تبتله میراثها... فقال ابوبکر: ان رسول الله(ص) قال: لا نورث... فابی ابوبکر ان یدفع الی فاطمة منها شیئا فوجدت فاطمة علی ابی بکر فی ذلک فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت»^{۲۲}.

پیامبر اکرم(ص) - طبق نقل همین کتب صحاح - حضرت فاطمه(س) را پاره تن خود معرفی کرد و غضب او را غضب خود دانست: «فاطمة بضعة منی من غضبها اغضبتی»^{۲۳}.

۲. خلیفه از حضرت زهرا(س) مطالبه شاهد و بینه می کند، در حالی که فدک در اختیار و تصرف آن حضرت بود، و خود این حیسات و تصرف یکی از نشانه های مالکیت است. حضرت علی(ع) در نهج البلاغه می فرماید: «بلی کانت فی ابدینا فدک من کل ما اقلته السماء فحمت علیها نفوس قوم و سخت عنها قوم آخرین و نعم الحکم الله و ما اصنع بفدک و

همسران پیامبر(ص) را نیز مصادره می کرد، در حالی که، در این میان فقط فدک مصادره شد.^{۱۶}

۵. اگر فدک صدقه بود، بایستی همچون مصارف دیگر صدقات تقسیم شود. اما می بینیم که عمر هنگام قضاوت میان حضرت علی(ع) و عباس در مورد ارث بردن از فدک، آن را به آنان واگذار می کند و اظهار می دارد «کما اعرف شانکما اما انما فقد سلمتها لیکما»^{۱۷} (شما نسبت به کار خود آگاهترید، و من این را تسلیم شما می کنم).

۶. اگر فدک صدقه بود، چرا عسمان آن را به مروان بخشید؟^{۱۸}

۷. با فرض صحت این حدیث، دفن ابوبکر و عمر در منزل عایشه مورد ایراد قرار می گیرد.^{۱۹}

عوامل و انگیزه های مصادره فدک

۱. انگیزه اجتماعی

فدک به عنوان امتیاز بزرگی برای حضرت فاطمه(س) و فرزندان به شمار می رفت، زیرا خداوند به دلیل قربانیت آن حضرت(س) با پیامبر(ص) و نفسیلتی که در آن حضرت(س) وجود داشت، فرمان واگذاری فدک را به ایشان صادر کرد. فقها با سلب مالکیت حضرت فاطمه(س) نسبت به فدک، این امتیاز اجتماعی نیز سلب می شد.

۲. انگیزه اقتصادی

داشتن مال و بهره مندی از امکانات مادی، یکی از مهمترین

غیر فدک^{۲۴} (آری، از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکند تنها فدک در اختیار ما بود، که گروهی بر آن هم بخل و حسادت ورزیدند و گروه دیگری آن را سخاوتمندانه رها کردند. و بهترین داور خداوند است و مرا با فدک و جز فدک چه کار است)^{۲۵}.

۳. افرادی پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) ادعای طلب از رسول خدا (ص) داشتند یا می گفتند که آن حضرت به آنان وعده ای داده است. در این موارد خلیفه بدون مطالبه هیچ شاهد و گواهی، به این ادعاها ترتیب اثر می داد. بخاری در صحیح نقل می کند: ابوبکر اعلام داشت هر کسی طلبی از من یا قبل از من (پیامبر (ص)) دارد، اعلام کند. جابر گفت: پیامبر (ص) به من وعده پرداخت مبلغی پول را داده بود. ابوبکر ۳ بار دستش را به سوی جابر گشود، و در هر بار ۵۰۰ درهم به او داد.^{۲۶}

۴. علی (ع) از افرادی بود که به نفع حضرت زهر (ص) شهادت داد، ولی شهادت آن حضرت به بهانه اینکه همسر حضرت زهر (ص) می باشد و در این مورد نفی خواهد داشت، پذیرفته نشد. در نقد این برخورد علاوه بر مسئله عصمت حضرت علی (ع)، باید به روایاتی که در فضیلت و حقانیت امیر مؤمنان (ع) در کتب اهل سنت نقل شده است، توجه داشت. حاکم نیشابوری نقل می کند که پیامبر (ص) فرمود: «رحم الله علیاً اللهم ادر الحق معه حیث داره.» آیا با وجود این قبیل روایات، باز می توان شهادت علی (ع) را نایبده گرفت؟

۵. با توجه به نزول آیه تطهیر^{۲۷} در حق حضرت زهر (ص) و سایر اهل بیت پیامبر (ص) و اثبات عصمت ایشان با دلیل قرآنی، دیگر مطالبه شاهد و بینه موردی نداشته است. در متن ترمذی نقل شده است که بعد از نزول آیه تطهیر، پیامبر اکرم (ص) در جمع حضرت علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و فاطمه زهرا (ص) عرض داشت: «اللهم هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس»^{۲۸} مسلم نیشابوری نیز این روایت را نقل کرده است.^{۲۹}

روایات فراوانی در این مورد در کتابهای اهل سنت همچون شواهد التنزیل و اسباب النزول نقل شده است.^{۳۰} طبری در تفسیر این آیه شریفه، روایات فراوانی در مورد اینکه منظور از اهل بیت همان حضرت زهر (ص)، و همسر و فرزندان است نقل می کند.^{۳۱}

فضیل بن یوزبهان در توجیه این رفتار خلیفه اظهار می دارد: «مسئله عصمت اهل بیت ارتباطی به مسئله شهادت و قضاوت ندارد، بلکه قاضی بایستی طبق وظیفه خود عمل کند. مرحوم مظفر (ره) در نقد این گفتار می گوید: اصولاً، طلب شاهد از کسی که فالی را در اختیار دارد (ذوالبد) اشتباه

است. همچنین، بینه به عنوان راهی ظنی است که برای رفع خصومت و اختلاف فرار داده شده، ولی علم مقدم بر آن است. کوتاه سخن اینکه، جریان فدک سندی است تاریخی در اثبات حقانیت اهل بیت (ع) و عدالتخواهی دختر گرامی رسول خدا (ص).

پانوشتها:

۱. مسلم، صحیح، ج ۴، کتاب الجهاد، باب حکم الفیء.
۲. الدرالمشور، دار الفکر، ج ۵، ص ۲۷۵.
۳. میزان، ج ۱۶، ص ۱۸۵.
۴. تاریخ قرآن، ص ۶۲.
۵. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۲۲.
۶. فتوح البلدان، ص ۲۲.
۷. بخاری، صحیح، دار الفکر، ج ۵، ص ۸۲.
۸. مسلم، صحیح، ج ۴، کتاب الجهاد، صص ۱۵-۱۶.
۹. منهاج البراهه، ج ۲۰، ص ۱۰۰.
۱۰. التبیان، ص ۷۹.
۱۱. تفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۸۹.
۱۲. روح المعانی، ج ۱۷، ص ۷۵.
۱۳. تاریخ الخلفاء، دار الفکر، ص ۱۰۱.
۱۴. ابن ابی الحدید، شرح توحی البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲۷.
۱۵. سیره الحلیه، مصر، ج ۲، ص ۴۸۵.
۱۶. صفی، محمد باقر، فدک فی تاریخ، ص ۱۰۹.
۱۷. معجم البلدان، ج ۱۰، ص ۲۲۸.
۱۸. بیهقی، السنن الکبری، ج ۶، ص ۳۰۱.
۱۹. القدر، ج ۷، ص ۲۲۹، ج ۶، ص ۱۹۰.
۲۰. نوح نوح البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۸۲.
۲۱. سنن الکبری، ج ۶، ص ۳۷.
۲۲. بخاری، صحیح، دار الفکر، ج ۵، ص ۸۲، صحیح، مسلم، ج ۴، ص ۱۳۰، کتاب الجهاد، باب ۱۶، ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، ج ۱، ص ۶.
۲۳. بخاری، صحیح، ج ۲، صص ۲۱۰، ۲۱۹.
۲۴. نهج البلاغه، نامه ۲۵.
۲۵. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۶۲.
۲۶. مستدرک الصحیحین، بیروت، ج ۳، ص ۱۲۴.
۲۷. احزاب، ۳۳.
۲۸. ترمذی، سنن، ج ۵، باب مناقب اهل بیت النبی (ص).
۲۹. مسلم، صحیح، ج ۵، ص ۲۷، باب مناقب اهل بیت النبی (ص).
۳۰. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۸، اسباب النزول، ص ۲۶۱.
۳۱. طبری، جامع البیان، ج ۱.